

آیا با طراحی اصلاح طلبان این بار قرار است روحانی ضربه گیر باشد؟

قانون بقای ضربه گیر

دولت حسن روحانی و مسائلهای به نام ترکیب پارلمان

دولت حسن روحانی از ابتدای کار در سال ۹۲ به دلیل اینکه اساسا هم از ایده های متنوع و برنامه های عملیاتی برای اداره کشور برخوردار نبود و هم تیم اجرایی توانمندی در اختیار نداشت، نیازمند همراهی ویژه از سوی دیگر نهادهای مخصوصا مجلس اول برای تشکیل و دوام دولت و ثابتهای برای پیشبرد پروژه مذاکره و به سرانجام رساندن توافق هسته ای بود. از همین منظر حسن روحانی روی همراهی مجلس حساب ویژه ای باز کرده بود. ترکیب مجلس نهم اما آنچنان که باید و شاید با روحانی همراه نبود، لذا علی لاریجانی که آن روزها آینده سیاسی خود را در همراهی با دولت می دید و از یک سو با بخشی از اصولگرایان هم به چالش جدی خورده بود، جور کل مجلس را کشید و یک تنه توانست کشتی دولت را در دو سال پایانی از مجلس عبور دهد.

در خصوص تشکیل کابینه نمایندگان مجلس نهم در تابستان ۹۲ سه وزیر معرفی شده از سوی روحانی را دارای صلاحیت لازم برای حضور در کابینه تشخیص ندادند، لذا از حضور جعفر توفیقی در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، محمد علی نجفی در وزارت آموزش و پرورش و مسعود سلطانی فر در وزارت ورزش و جوانان ممانعت به عمل آوردند و بعدا در معرفی وزرای وزارت آموزش و پرورش و همچنین ورزش و جوانان هم به سختی حاضر به تایید گزینه های معرفی شده از سوی دولت شدند. همین مسائله هم در آن زمان یکی از چالش های اصلی اعضای دولت بود، لذا لحظه شماری می کردند تا آن دوره پارلمان هرچه زودتر به پایان برسد.

حدفاصل سال های ۹۲ تا ۹۴ مهم ترین مقطعی که علی لاریجانی توانست در آن دولت را همراهی کرده و مسیر حرکت آنها را از گزند انتقادهای پارلمان دور نگه دارد، ماجرای برجام بود، همان جایی که با وجود برگزاری جلسات متعدد و بحث های کارشناسی قابل توجه پیرامون برجام از سوی کمیسیون ویژه بررسی توافق هسته ای که ریاست آن با علیرضا زاکانی، نماینده وقت تهران بود، رئیس مجلس توانست بدون دخیل کردن گزارش نهایی کمیسیون مربوطه، ۲۰ دقیقه ای توافق هسته ای را به تصویب رسانده و بزرگ ترین رانست مجلس به دولت یازدهم را رقم بزند.

مجلس دهم همراه ترین یار دولت

در جریان انتخابات مجلس دهم، اما ورق برگشت و پیروزی به حامیان دولت رسید، کسانی که دو طیف مشخص داشتند، یکی فراکسیون امید که اصلاح طلب ها بودند و دیگری فراکسیون مستقلین که حامی علی لاریجانی و به تبع حسن روحانی به شمار می آمدند. این مجلس از همراه ترین مجالس تاریخ با دولت وقت بود تا آنجا که مهم ترین نقدها به نمایندگان در این دوره درباره همراهی بیش از حد آنها با دولت و به عبارتی، پاک شدن مرز وکیل المله از وکیل الدوله در برخی نقاط و بزنگاه ها مطرح می شد. اصلاح طلبان در ماه های اخیر بزرگ ترین ایراد فراکسیون امید را همراهی قابل توجه با دولت طی چهارسال نمایندگی عنوان می کنند و حتی ابایی ندارند که ابراز کنند عدم ثبت نام چهره های شاخص اصلاحات در انتخابات مجلس همین همراهی نامیمون با دولت بوده است. دولت اما از مجلس دهم

و عده ها و حرف های جور و واجور پر شده و برای حضور مجدد پای صندوق های رای های عمیقا دلسرد است. هرچه باشد ایده دولت برای اداره کشور تا انتها شکست خورده، تحریم ها به قوت سابق احیاء شده و نام مذاکره نیز به فهرست آنها اضافه شده، فاصله طبقاتی در جامعه رکورد زده در حالی که رشد اقتصادی کشور در چند سال اخیر به طور متوسط نزدیک به صفر بوده، آمار نقدینگی رشدی ۲۵ درصدی را تجربه کرده و همین مساله به افزایش بی سابقه تورم منجر شده به طوری که دولت روحانی بعد از دولت هاشمی رفسنجانی رکورد دار تورم در چهار دهه گذشته محسوب می شود.

به عبارت دقیق تر، در حالی که حجم نقدینگی باروی کار آمدن حسن روحانی ۴۹۰ هزار میلیارد تومان بود این عدد اکنون به اذعان وزیر اقتصاد به بیش از ۲۰۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده و این یعنی بیش از ۷۵ درصد نقدینگی کشور فقط در دولت های یازدهم و دوازدهم خلق شده است. غولی که هر از گاهی اثرات مخربش را در اقتصاد ایران نمایان می کند و نمونه بارز این اثرات را می توان در ورود نقدینگی به بازارهایی چون ارز، طلا، مسکن، خودرو و افزایش دوپایه برابری قیمت ها در آن بازارها مشاهده کرد. در چنین شرایطی قیمت مسکن در شهری چون تهران از متری ۳۸ میلیون تومان در تابستان ۹۲ به افزایشی ۲۳۹ درصدی به ۱۲۷ میلیون تومان در پایان تابستان سال ۹۸ رسید. وضعیت بازار طلا و دلار هم بهتر از این نبود و هریک رشدی قریب به ۳۰۰ درصدی را تجربه کردند. اینها البته برشی کوچک از آن چیزی است که در این سال ها بر سر اقتصاد کشور آمده. طبیعی است که اثر وضعی چنین کارنامه ای بر انگیزه های مردم و نه فقط بدنه اجتماعی حامی دولت در دو انتخابات ۹۲ و ۹۶، تأثیری مستقیم خواهد گذاشت و میل آنها به مشارکت در انتخابات را تنزل خواهد داد.

تأثیر کارنامه دولت بر مشارکت

بحران نا کارآمدی را که باعث افت بی سابقه محبوبیت دولت در هفتمین سال آن به زیر ۱۰ درصد شده، باید مهم ترین مانع پیش روی بدنه ای دانست که روحانی با اتکا به آرای آنها راهی پاستور شد؛ بدنه ای که حالا گوشش از شنیدن شعارها،



نسبت دولت با نهاد انتخابات چیست؟

که این روزها حسن روحانی خود را دغدغه مند برگزاری انتخابات عنوان می کند و حتی ابایی از قیاس وضعیت کنونی با دوران پهلوی هم ندارد، با تغییرات گسترده ای که در ترکیب استانداران و فرمانداران کشور ایجاد کرده، قبل از وارد کردن اتهام به شورای نگهبان و ایجاد شبهه در سلامت انتخابات، نوک پیکان را به سمت دولت تغییر داد و این شائبه را میان مردم، فعالان رسانه ای و کارشناسان سیاسی و اجتماعی ایجاد کرده است که نکند حضور بسیار پررنگ یک جریان منافی خاص جریان سیاسی میان برگزار کنندگان انتخابات، تأثیری بر سلامت و شمارش رای مردم بگذارد.

گزارش های مختلف از انتصاب استانداران و فرمانداران توسط وزارت کشور در یکی، دو سال گذشته گویای این است که کفه ترازو به صورت محسوسی به سمت اصلاح طلبان و بعضا اصلاح طلبان رادیکال سنگین شده و حالا این افراد هستند که می خواهند انتخابات را برگزار کنند.

براساس این گزارش ها، از جمع ۳۱ استاندار کنونی کشور، ۲۷ نفر گرایش اصلاح طلبی دارند، یک نفر اصولگراست و سه نفر از نزدیکان حزب اعتدال و توسعه هستند. علاوه بر این، از حدود ۴۳۰ فرماندار هم ۳۰۰ نفر آنها تغییر کرده اند که از میان این جمع عظیم تغییر کرده، هم اکنون حدود ۲۵۷ نفر اصلاح طلب هستند، ۲۶ نفر اعتدال گرا، پنج نفر اصولگرا و ۱۲ نفر مستقل که این به آن معناست که از جمع ۳۰۰ فرماندار تغییر یافته، ۸۶ درصد اصلاح طلب هستند، ۲ درصد اصولگرا، ۸ درصد اعتدال گرا و ۴ درصد مستقل. پاسخ به سوال دوم اما آنچنان دشوار نیست، چنانکه در این روزها کارشناسان مختلفی درباره چرایی کنش های عجیب و غریب حسن روحانی در میدان سیاست عطف به رویداد انتخابات اظهار نظر کرده اند، تمام وجوه اظهار نظرهای رادیکال حسن روحانی مشخص شده است.

رئیس دولت در اولین گام در حال تلاش است تا از تغییر ترکیب مجلس به ضرر دولت تا آنجایی که می تواند جلوگیری کند و حامیانش را از یک شکست تاریخی که البته اولین عامل آن عملکرد دولت است، برهاند. از طرف دیگر روحانی سعی می کند این روزها با تداوم و به روز نگه داشتن دوقطبی های کاذبی مانند مساله جنگ یا صلح و مذاکره در عرصه سیاست خارجی که نیم رسانه ای نزدیک به وی سال هاست در کشور ایجاد کرده و در آن می دمد، فضای افکار عمومی را از مسائل اصلی منحرف کند و اجازه شکل گیری یک تمرکز عمومی بر مسائلی چون مشکلات اقتصادی را ندهد. از این رو انتخابات و امکان ورود سیاسی به موضوعات مختلف فرصت مناسبی برای دولت ارزیابی می شود تا از آن برای منحرف کردن افکار عمومی استفاده کند.

پنجم را برعهده داشت، مصلحت و منفعت کشور را در تمدید ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی برای سومین بار می دانست و تاکید می کرد نباید با استناد به منع قانون اساسی دست های خود را ببندیم. حسین مرعشی، رئیس دفتر رئیس جمهور هم با بیان اینکه «هاشمی محتاج ریاست جمهوری نیست، بلکه کشور نیاز به خدمات ایشان دارد»، ریاست جمهوری مادام العمر را خواسته مردم تلقی می کرد.

در این میان حسن روحانی، نایب رئیس وقت مجلس هم از قافله عقب نیفتاد و در سخنانی در جمع مردم سرخه سمنان تصریح کرد: «قانون اساسی نوکر نظام است و ارزش قانون اساسی آرای مردم است. انسان های استثنایی و شایسته در قالب قانون نمی گنجند». روحانی، هاشمی را شخصیتی می دانست که وقتی مسئولیتی را رها کند، جایش پر خواهد شد و به همین واسطه مثل خیلی های دیگر نسخه تثبیت حضور او در مقام ریاست جمهوری را تجویز می کرد.

این پروژه البته به جایی نرسید و با مخالفت صریح رهبر انقلاب برای همیشه از دستور کار خارج شد اما روشن است که عوامل آن در این مقطع تلاش می کردند همه چیز را به پای تثبیت و حفظ قدرت خود و جاز زدن آن تحت عنوان «ثبات» و زمینه «توسعه» قربانی کرده و دموکراسی را به زمانی دیگر در آینده موکول کنند. نگاهی که ثبات و توسعه را مقدمه رسیدن به دموکراسی می دانست البته یک بار خود را در سال های پس از جنگ به جامعه ایرانی عرضه کرد و کارنامه اش روشن شد. چرخش موضع روحانی در نسبت با دموکراسی و جمهوری است اما در نوع خود پدیده ای جالب به نظر می رسد؛ پدیده ای که باید بیش از اینها روی آن مطالعه کرد و این موضع را به کند و کاو گذاشت که آیا این چرخش در نگاه او ماهیتی بنیادین و اندیشه ای دارد یا آنکه مواضع متأخر جناب پرنسپل را صرفا باید در انگیزه های سیاسی و انتخاباتی جست و جو کرد؟

درباره آنچه گفته شد چند نکته مهم دیگر هم وجود دارد، نکاتی که در پاسخ به دو سوال می توانند جمع بندی شوند. سوال ها این است.

اول اینکه دولت چه اثری بر انتخابات مجلس داشته و دارد؟ دوم اینکه دولت در این فرصت چه اقدامی می تواند انجام دهد و چه بهرهای از اقدامات خود خواهد برد؟

در پاسخ به سوال اول باید گفت دولت های حسن روحانی اعم از یازدهم و دوازدهم به دو گونه در انتخابات مؤثر بوده اند؛ یکی به صورت غیرمستقیم و دیگری به صورت مستقیم. الف) تأثیرگذاری دولت به صورت غیرمستقیم حاصل عملکرد ناموفق آن در عمل به وعده های انتخابات سال های ۹۲ و ۹۶ و به عبارتی، ناامید کردن مردم از نهاد انتخابات است. در این دو انتخابات مردم به امید بهبود فضای اقتصادی به حسن روحانی رای دادند و او را در مواجهه با رقیبانش برگزیدند. وعده چرخیدن چرخ سانسرفیوژها همزمان با چرخش اقتصاد کشور در سال ۹۲ و ایجاد یک میلیون شغل به صورت سالیانه در انتخابات ۹۶ نمادهایی از شعارهای اساسی دولت بود و تورم افسارگسیخته، رکود منفی ۹/۵ درصدی، تضعیف ۱۱ پله ای ایران در فضای کسب و کار، رشد ۲۳ درصدی قیمت مسکن و تلاطم های سسنکین بازارهای ارز و طلا و افزایش ناباورانه قیمت دلار و سکه، نماد ناتوانی از عمل به این وعده هاست.

در این مورد نظرسنجی از مردم با پارامترهای جزئی تر گویای این است که آنها اصلی ترین علت ناامیدی خود و بی اعتمادی به حاکمیت و ذیل آن نهاد انتخابات را تشدید مشکلات اقتصادی می دانند. ۴۶ درصد آنها می گویند مهم ترین مساله امروز کشور، مشکلات اقتصادی است و با فاصله زیاد دیگر مسائل و معضلات جامعه در نظر مردم دارای اولویت هستند. در این میان ۵۱ درصد آنها هیچ آمیدی به دولت و بهبود شرایط اقتصادی ندارند و می گویند با تداوم وضع فعلی، در سال آینده نیز مشکلات اقتصادی تشدید خواهد شد. مدنظر قرار دادن این اعداد و ارقام هم هست که کارشناسان را به این نتیجه رسانده که مهم ترین علت کاهش احتمالی مشارکت عمومی نه عملکرد نهادهایی چون شورای نگهبان که عدم موفقیت دولت در رفع مشکلات اقتصادی است.

علاوه بر این باید مساله مهم دیگری را نیز در نظر داشت، اینکه علاوه بر محدودیت حضور مردم پای صندوق های رای در اثر عملکرد دولت، همزمان جریان حامی دولت که اصلاح طلبان هستند نیز از مانور سیاسی ناامید شده و به این نتیجه رسیده اند که به دلیل پیوند خوردن با دولت طی هفت سال گذشته، از کمترین شانس موفقیت در انتخابات برخوردارند و از این رو حتی اقدام به ثبت نام در انتخابات نکرده اند.

ب) دولت اما به صورت مستقیم هم می تواند بر انتخابات تأثیر داشته باشد. در عین حالی

نسبت روحانی با دواصل مشارکت و جمهوریت

نگاه روحانی به اصل جمهوریت

«بایبیم پاسدار جمهوریت هم باشیم، قانون اساسی ما در آن جمهوریت هم هست. کلمه جمهوری در قانون اساسی ما هست، اما می ترسم یک روزی این کلمه جمهوری هم باز جرم شود». این بخشی از اظهارات هفته گذشته روحانی در جمع استانداران و فرمانداران است که به نظر می رسد کمتر از بخش های دیگر دیده شد. رئیس جمهور در حالی از ضرورت پاسداشت اصل جمهوریت نظام سخن گفت و در این راستا حتی به قیاس وضع موجود با انتخابات در رژیم پهلوی پرداخت که قرائن تاریخی، برداشتهای متفاوتی از نگاه او به مساله جمهوریت نظام را به تصویر می کشد.

در میانه های دهه ۷۰ و سال پایانی دولت هاشمی رفسنجانی، سپهر سیاست ایران شاهد تحولاتی بود که در سال های پیش و پس از آن هرگز در تاریخ جمهوری اسلامی نظیر نداشت؛ تحولاتی که در خلال آن جریان دزد بردآمدن بانه سازی برای تغییر قانون اساسی، ریاست جمهوری مرحوم هاشمی را مادام العمر کنند. نخستین بار این عطا الله مهاجرانی بود که در مصاحبه با روزنامه «ایران نیوز» به نقد محدودیت قانون اساسی در خصوص عدم امکان حضور مستمر بیش از دو دوره شخصیت هایی چون هاشمی در مسند قوه مجریه پرداخت و ضمن غیراصولی خواندن آن خواهان رفع این مانع قانونی شد. مهاجرانی البته در این مسیر تنها نبود. عده ای از همفکران او و نزدیکان رئیس جمهور وقت با مطرح کردن این موضوع که تداوم برنامه های سازندگی نیازمند تمدید دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی است، همه تلاش خود را به کار بستند تا برخلاف نص صریح قانون اساسی، دولت متبوع شان را ماندگار کنند.

عبدالله نوری که در آن روزها نمایندگی مردم تهران در مجلس

به هر حال خیلی ها به وعده هایی که پیش از این در انتخابات و در ماه های منتهی به انعقاد توافق هسته ای شنیده بودند دل خوش کرده بودند و تحقق آنها را انتظار می کشیدند. هرچه زمان بیشتر گذشت اما آنها کمتر امیدوار شدند و گذشت و گذشت تا اینکه کار به ایستگاه اسفندماه ۹۸ رسید؛ جایی که حامیان سیاسی دولت بار دیگر برای تمدید حضور خود در ساختار قدرت نیازمند همان بدنه ای شده اند که روزی آن را برای روحانی بسیج کرده بودند؛ بدنه ای که دلسردی اش حالا همان حامیان سیاسی دولت را هم از مشارکت سیاسی و انتخاباتی دلسرد ساخته است.

خودداری تعداد قابل توجهی از اصلاح طلبان از ثبت نام برای کاندیداتوری بهرغم همه پیغام ها و پیغام های رهبران این جریان و من و بزمیر و تو بزمیری ها را بیش از هر چیزی باید از این زاویه تحلیل کرد. نوع مواجهه شورای نگهبان با مقوله احراز صلاحیت ها به جای خود اما به گفته محمد جواد روح، عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت آنها اگر می دانستند تکرار مجدد خاتمی رای آنها را مثل چهار سال قبل تضمین می کند، برای کاندیداتوری و قرار گرفتن نام شان در لیست نهایی سر و دست می شکانند. حضور در چنین شرایطی گویا در نظر خیلی از نیروهای سیاسی حامی دولت بسان گرید کردن بر سر قبر خالی می ماند و همین موضوع آنها را برای خزیدن به کنج عافیت متفق القول کرده است.

این یعنی عملکرد دولت در مجموع نه تنها زمینه افت مشارکت عمومی را فراهم آورده، بلکه علاوه بر ریزش شدید بدنه رای نزدیک به اصلاح طلبان، انگیزه مشارکت سیاسی را حتی میان بسیاری از نیروهای حزبی و سیاسی این جریان از بین برده است.